

فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی

سال نهم - شماره ۳۲ - زمستان ۱۳۹۰

صص ۴۹-۷۲

موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران

رافیک باغومیان*

علی رحیمی باغی**

چکیده

در توسعه اقتصادی هر کشور، نظام حسابداری وظیفه فراهم ساختن اطلاعات مالی دقیق، به موقع و قابل اطمینان مورد نیاز برای مراحل گوناگون فرایندهایی چون تهیه، اجرا و کنترل پروژه‌های توسعه‌ای را به عهده دارد. در نتیجه، این واقعیت را نمی‌توان کتمان نمود که در کشورهای درحال توسعه‌ای مانند ایران، گسترش و توسعه حسابداری بخشی از زیرساخت‌های لازم برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

از سوی دیگر و با توجه به مطالعات انجام‌شده و شواهد موجود، چنین به نظر می‌رسد که نظام آموزشی حسابداری در ایران از نارسایی‌های بنیادی برخوردار است و در نتیجه امکان پرورش استعدادها و تربیت افراد متخصص مورد نیاز برای

* استادیار عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

بخش‌های گوناگون را به گونه‌ای که انتظار می‌رود، ندارد. جهت رفع چنین کاستی‌هایی، شناسایی موانع پیشرفت اولین اقدامی است که باید در جهت حذف موانع موجود برداشته شود.

در تحقیق حاضر، ابتدا به شناسایی و تعیین درجه اهمیت عواملی پرداخته شده است که به عنوان موانع پیشرفت آموزش حسابداری مطرح می‌باشند و در پایان نیز بر اساس نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهادهایی جهت رفع موانع شناسایی شده ارائه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تسلط ناکافی استادان و دانشجویان رشته حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، مهم‌ترین عاملی بوده که به عنوان مانع پیشرفت آموزش حسابداری به شمار آمده است.

واژه‌های کلیدی: حسابداری، آموزش حسابداری.

معرفی تحقیق

رفع نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان خرد و کلان، مستلزم داشتن یک نظام حسابداری کارآمد است. از سوی دیگر، برخورداری از چنین نظامی نیازمند داشتن نیروهای متخصص حسابداری و همچنین وجود یک ساختار آموزشی مناسب می‌باشد. لذا آموزش حسابداران آینده و مشارکت موثر آنها در فراهم ساختن اطلاعات مالی دقیق و قابل اعتماد و همچنین تجزیه و تحلیل چنین اطلاعاتی، برای توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، اهمیت فراوانی دارد (رودکی، ۱۳۷۸). در حال حاضر و با توجه به وقوع تحولات اقتصادی محتوایی در کشور، چنین به نظر می‌رسد که نحوه پذیرش دانشجو در این رشته و همچنین نظام آموزشی حسابداری از نارسایی‌های بنیادی برخوردار است؛ به گونه‌ای که توان کافی برای تربیت نیروهای متخصص در این رشته را ندارد. برای رفع این نارسایی‌ها، اولین گام شناسایی موانع رشد یا پیشرفت آموزش حسابداری می‌باشد. شناسایی چنین عواملی، اولین شرط و یا در واقع شرط لازم برای رفع موانع پیش‌گفته است تا در نهایت با حذف آنها، بستر مناسبی برای پیشرفت این رشته و به تبع آن توسعه اقتصادی کشور فراهم گردد.

بدین ترتیب با درک نقش اساسی حسابداری در توسعه اقتصادی کشورها و به ویژه در کشورهایی مانند ایران، شناخت موانع پیشرفت آموزش حسابداری امری ضروری به نظر می‌رسد. پس تحقیق حاضر می‌تواند با شناسایی چنین موانعی، زمینه لازم برای حذف آنها را فراهم آورد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

از اواسط قرن بیستم و پس از تدوین چارچوب‌های آموزش حسابداری در قالبی مشخص، پژوهش‌های گوناگونی در خصوص ساختار آتی، محتوا و گستره آموزش حسابداری صورت گرفت. کمیته بدفورد^۱ انجمن حسابداری آمریکا^۲ در سال ۱۹۸۶ گزارشی را که حاوی چندین انتقاد نسبت به نظام آموزشی حسابداری بود، منتشر کرد. این کمیته، رابطه میان آموزش حسابداری و حرفه حسابداری را بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۸۵ مورد بررسی قرار داده بود. گزارش مزبور نشان داد که آموزش حسابداری به رغم تغییرهای بنیادی صورت گرفته در حرفه، در طول دوره ۶۰ ساله مورد مطالعه تغییری نکرده است. همچنین، این کمیته تأکید داشت که نظام آموزشی حسابداری آنچه را که حسابداران کنونی نیازمند یادگیری آن هستند، آموزش نمی‌دهد. بر اساس یافته‌های پژوهشی کمیته بدفورد:

در آموزش حسابداری به جای تأکید بر رویه‌های عملی جزئی، باید بر مفاهیم تأکید شود، و نیازهای آموزشی بلندمدت حسابداری باید به صورت مستمر مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس نظر کمیته بدفورد، محتوای آموزشی دروس حسابداری که بخش عمده آن برگرفته از محتوای ۵۰ سال پیش می‌باشد، بدون شک برای پاسخگویی به نیازهای این رشته در آینده کفایت نخواهد کرد. کمیته مزبور چنین اظهار داشته که چون شکاف میان آموزش حسابداری و حرفه حسابداری در حال گسترش است، پس نظام آموزشی رشته حسابداری به اصلاحات اساسی نیاز دارد (عرب‌مازار یزدی

1- Bedford Committee

2- American Accounting Association (AAA)

و همکاران، ۱۳۸۶). بر اساس پیشنهاد کمیسیون تحول آموزش حسابداری امریکا^۱، آموزش دانشجویان حسابداری با رویکرد "چگونه آموختن"، مستلزم تغییر نوع نگاه مربیان این رشته نسبت به برنامه‌های آموزشی است. از سوی دیگر، این امر شامل چگونگی آموزش دانشجویان و نحوه تدوین سرفصل‌های درسی نیز می‌باشد. البته این تغییرات آرمانی نیازمند همت عالی مربیان این رشته در خصوص یادگیری و تدریس روش‌های جدید و ناشناخته است (بیل^۲، ۲۰۱۰). پژوهش‌های دهه اخیر نیز گویای این واقعیت می‌باشد که دانش‌آموختگان حسابداری فاقد تفکر انتقادی هستند؛ در حالی که اغلب استادان حسابداری و نیز حسابداران حرفه‌ای، ضرورت استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی در برنامه‌های آموزش حسابداری را پذیرفته‌اند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که آموزش دانش حسابداری از دو دیدگاه کیفی و کمی مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه کیفی، پژوهشگران بر این باورند که آموزش حسابداری در ۶۵ سال نخست سده بیستم میلادی با تاکید بر آموزش روش‌های حسابداری سپری شده و هدف از آموزش، در اصل گذراندن امتحان‌های حرفه‌ای بوده است (به‌آیین، ۱۳۸۵).

در سال ۱۹۸۶، انجمن حسابداری آمریکا نیز ۲۸ توصیه را در زمینه ساختار آینده، محتوا و محدوده آموزش حسابداری ارائه کرد. این انجمن تاکید داشت که توسعه حسابداری باید با استفاده از آموزش حسابداران در دانشگاه‌ها صورت گیرد. همچنین، انجمن مذکور توصیه‌های دیگری نیز در ارتباط با فرایند تدریس حسابداری، مسئولیت‌های دانشگاه‌ها، دولت و آزمون‌های حرفه‌ای ارائه کرده است. در این میان، دو توصیه اساسی به شرح زیر می‌باشد (اوربانسیک^۳، ۲۰۰۹):

روش آموزش حسابداری توسط مربیان، باید بر ایجاد و ارائه اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی متمرکز باشد، و یادگیری برای یادگیری^۴ (یادگیری فعال) دانشجویان، باید به عنوان هدف اولیه

1- American Accounting Change Commission (AECC)

2- Bill

3- Urbancic

4- Learning to Learn

- کلاس‌های درسی رشته حسابداری تعریف شود.
- البرشت^۱ و ساک^۲ (۲۰۰۰) نیز بر این باورند که نظام آموزشی حسابداری با مشکلات جدی مواجه می‌باشد و حل نشدن مسائل مذکور ممکن است منجر به زوال این رشته گردد. به اعتقاد آنان، اهم این مشکلات عبارتند از:
- محتوای برنامه‌های درسی حسابداری اغلب منسوخ، محدود و یا حتی نامرتب است و در راستای نیازهای بازار نمی‌باشند،
 - نظام آموزشی حسابداری مبتنی بر حفظ کردن مطالب است و دانشجویان را برای روبرو شدن با دنیای پیچیده کسب و کار که پس از فارغ التحصیلی با آن روبرو می‌شوند، آماده نمی‌کند؛ لذا الگوی آموزشی حسابداری ناکارآمد است،
 - دانشجویان با میزان تاثیر فناوری‌های نوین بر محیط کسب و کار به اندازه کافی آشنا نمی‌شوند، و
 - کیفیت فرایند گزینش دانشجویان رشته حسابداری به سرعت در حال کاهش می‌باشد؛ چرا که بر اساس اظهارات دانشجویان، اکثر آنها یا درک کاملی از رشته حسابداری ندارند و یا اینکه فقط به خاطر داشتن موقعیت شغلی مناسب، این رشته را انتخاب کرده‌اند.
- نتایج مطالعه‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۶ از دانشجویان حسابداری انجام شد، نشان داد که اغلب دانشجویان به دلیل داشتن فرصت‌های شغلی مناسب این رشته را انتخاب کرده‌اند. همچنین معلوم شد به رغم اینکه اکثر دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد ادامه تحصیل می‌دهند، اغلب آنها برای تحصیل در دوره دکتری برنامه‌ریزی نمی‌کنند (نلسون^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). این در حالی است که موضوع آموزش حسابداران آینده به دلیل اهمیت تربیت نیروی انسانی متخصصی که قادر به مشارکت موثر در اجرا و تجزیه و تحلیل نتایج برنامه‌های توسعه اقتصادی باشد، از دیرباز مورد توجه متفکران رشته حسابداری بوده است. بر این اساس، در آثار

1- Albrecht

2- Sack

3- Nelson

پیشگامانی چون بروکنر^۱ و هیلمن^۲ (۱۹۶۰) بر ضرورت طراحی و اجرای برنامه آموزشی در حوزه حسابداری به منظور ارتقای کمی و کیفی حرفه حسابداری در کشورهای در حال توسعه، تاکید شده است (بروکنر و هیلمن، ۱۹۶۰).

از سوی دیگر، سال‌های متمادی است که حسابداری در کشورهای در حال توسعه در سطح ضعیفی ارزیابی می‌گردد و نیازمند اقدامات اصلاحی می‌باشد. این در حالی است که نسبت به چگونگی سازماندهی این اقدامات اصلاحی، توجه زیادی مبذول نشده است. البته، در ادبیات حسابداری راهکارهایی در خصوص افزایش تعداد حسابداران در این کشورها تشریح شده است؛ هر چند که اصلاح زیرساخت حسابداری در یک کشور فراتر از افزایش تعداد نیروی کار در این حوزه می‌باشد. اصلاح زیرساخت حسابداری به اصلاح کیفیت اطلاعات حسابداری، سطح فناوری مورد استفاده در حسابداری، تقاضا برای اطلاعات حسابداری و نیز به آموزش حسابداران بستگی دارد. بدین ترتیب، چنین به نظر می‌رسد که برنامه توسعه زیرساخت حسابداری ملی مناسب برای یک کشور، به احتمال زیاد به شرایط آن کشور بستگی دارد (نوروش، ۱۳۷۸).

در راستای بررسی مشکلات آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه، تحقیق‌های زیادی با هدف تهیه راهبردهای زیربنایی به منظور غلبه بر این مسائل انجام پذیرفته است. هدف همه این پژوهش‌ها، بررسی راه کارهای ارتقای کیفی و تطبیق نظام آموزشی حسابداری با شرایط فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه به منظور رفع نیاز نیروی انسانی کارآمد بوده است. این گروه از پژوهش‌ها از جنبه اهداف و دامنه اجرا به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول تحقیقاتی هستند که به بررسی راه کارهای رفع تنگناها و ارائه پیشنهادهای اصلاحی در کلیه کشورهای در حال توسعه به طور عام معطوف است و گروه دوم پژوهش‌هایی می‌باشد که به یک کشور یا یک منطقه خاص مربوط می‌شود. با توجه به آنچه که گفته شد، آموزش حسابداری باید مطابق با شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی هر کشور

1- Brookner

2- Heilman

باشد. پس ترجمه صرف کتاب‌های حسابداری خارجی و آموزش آنها بدون تطبیق با نیازهای محلی و محیطی یک کشور، روش مناسب و صحیحی به شمار نمی‌رود. در حقیقت، هر کشوری ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاص خود را دارد و به احتمال بسیار زیاد، هدف‌ها و نیازهای اطلاعاتی مدیران اقتصادی هر کشور نیز نسبت به دیگر کشورها متفاوت است؛ در نتیجه هر کشور باید تشویق شود که به جای تقلید، ساختاری مناسب با نیازهای خود طراحی و اجرا نماید (گرگز، ۱۳۷۹). حسابداری نوین نیز همانند بسیاری از دانش‌های کاربردی دیگر، به همراه ورود فرآورده‌های صنعتی و رسوخ مؤسسه‌ها و شرکت‌های خارجی به ایران راه یافت. اما مشکلات اقتصادی، فقر علمی، ناهماهنگی مقررات با نیازهای جامعه، ضعف نهادهای حرفه‌ای و عدم ارتباط حسابداری نوین با حسابداری سنتی ایران، از جمله موانع عمده‌ای بوده که اشاعه و پیشرفت آموزش حسابداری را در کشور محدود و کاربرد آن را در رفع تنگناها و مشکلات اداره مؤسسات کاهش داده است (اعتمادی و نیک‌خواه آزاد، ۱۳۷۷). پس از انقلاب، آموزش حسابداری در ایران به طور چشم‌گیری متحول شده است و اگرچه در این سال‌ها شکل آموزش و فناوری آموزشی بدون تغییر باقی مانده، ولی کمیت و کیفیت آموزش حسابداری تغییرات چشمگیری داشته است. البته باید خاطر نشان ساخت که این تغییرات در برگیرنده برنامه درسی، دوره‌های آموزشی، کتاب‌های درسی و مجله‌های حسابداری است (محمدزاده سالطه و پناهی، ۱۳۸۸).

به اعتقاد تقفی (۱۳۷۴)، آموزش حسابداری نیازمند یک بازنگری جدی است. او معتقد است که باید آموزش را پیشاپیش طراحی و تفهیم کرد؛ هر چند که چنین کاری در ظاهر با آموزش عملی حرفه در تضاد به نظر می‌رسد. به عقیده وی، تدریس باید تنها مشغله استاد باشد اما بودجه در نظر گرفته شده برای امور پژوهشی به درستی به مصرف نمی‌رسد؛ زیرا استادان معمولاً به جای آنکه ساکن دانشگاه باشند و به کارهای پژوهشی بپردازند، به چندشغله بودن تن داده‌اند. با این وصف، استادان حسابداری را باید تامین مالی کرد تا در عمل نیازمند انجام کارهای دیگر نباشند (مجله حسابداری، ۱۳۷۴).

در میزگرد سال ۱۳۸۱ نیز که به ابتکار موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی که با حضور چند تن از صاحب‌نظران رشته حسابداری تحت عنوان "رویکردهای نوین و سنتی آموزش و چالش‌های آن در رشته حسابداری" برگزار شد، مواردی چون عدم انطباق مباحث درسی با نیازهای بازار، تدریس مباحث به صورت کاربردی و عدم توجه کافی به مبانی نظری، عدم تسلط مدرسین بر مباحث درسی، عدم استفاده از فناوری اطلاعات در امر آموزش، بیگانگی دانشجویان با نرم‌افزارهای کاربردی و گزینش نادرست دانشجو (به این معنا که رتبه‌های برتر آزمون‌های ورودی، استقبال کمتری از این رشته می‌نمایند) به عنوان مشکلات رشته حسابداری مطرح شد (مجله حسابرس، ۱۳۸۱).

مشکلات مربوط در حوزه‌های مختلف بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته و اظهارنظر کارشناسان (برای نمونه، عرب‌مازار و همکاران، ۱۳۸۶؛ مجله حسابرس، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۱؛ گرگز، ۱۳۷۹؛ اعتمادی و نیک‌خواه آزاد، ۱۳۷۷؛ مجله حسابدار، ۱۳۷۴)، در جدول (۱) به طور خلاصه ارائه گردیده است.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری ارائه شده و بررسی پژوهش‌های صورت گرفته، پرسش‌هایی مطرح و در نهایت فرضیه‌های تحقیق بر اساس آنها تدوین شد. بر خلاف سایر رشته‌های علوم انسانی، داشتن تجربه کاری کافی جهت جذب در بازار کار یکی از الزامات رشته حسابداری می‌باشد. نگرانی از این امر موجب شده است تا اکثر دانشجویان جهت رفع آن به ناچار به صورت پاره وقت، حق‌الزحمه‌ای و یا سایر روش‌ها همزمان با تحصیل مشغول به کار شوند. این در حالی است که مشاهده چنین وضعیتی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری شایع‌تر است. بدین ترتیب، چنین به نظر می‌رسد که دانشجویان رشته حسابداری، به

۱- این میزگرد با حضور دکتر ایرج نوروش، دکتر رضا تهرانی، دکتر یدالله مکرمی، محمد جواد صفار، عطاء الله مقبلی و مجتبی گودرزی در محل موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی تشکیل شد.

خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی، فرصت کافی جهت مطالعه و تحقیق را نداشته باشند.

فرضیه ۱. شاغل بودن دانشجویان حسابداری همزمان با تحصیل آنها، مانع پیشرفت آموزش حسابداری است

جدول ۱. خلاصه نتایج پژوهش‌های پیشین در رابطه با مشکلات آموزش حسابداری در ایران

مشکلات مربوط	حوزه‌های مختلف نظام آموزشی
کمبود کتب حسابداری به زبان فارسی، منسوخ بودن محتوای آموزشی دروس حسابداری، گرانی کتب خارجی، عدم انطباق دروس با استانداردهای حسابداری ملی	مواد آموزشی
به روز نبودن آموزش حسابداری، تقلیدی بودن نظام‌های آموزشی، غلط بودن شیوه‌های آموزشی، نقص برنامه‌های آموزشی، عدم توجه کافی به درس روش تحقیق	برنامه‌های آموزشی
کمبود استادان واجد صلاحیت، پایین بودن سطح علمی استادان، پایین بودن حقوق استادان	اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها
عدم تسلط دانشجویان به زبان انگلیسی، عدم آشنایی عمیق دانشجویان با فناوری اطلاعات	دانشجویان
عدم پذیرش دانشجو با استاندارد بالا، نبود بودجه کافی برای تحقیقات و پژوهش، عدم انعطاف برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها، سخت‌گیری‌های مربوط به چاپ مقاله‌ها، عدم گرایش‌های مختلف به خصوص در سطوح تکمیلی، کمبود وسایل کمک آموزشی مانند پروژکتور و آزمایشگاه، نبودن زمینه مساعد جهت آموزش و ادامه تحصیل استادان داخلی، شکاف میان حرفه و آموزش حسابداری، عدم تدریس حسابداری رشته‌های خاصی چون حسابداری عملیات بانکی که به شدت مورد نیاز می‌باشند	مدیریت سطوح مختلف آموزش عالی

در نظام سنجش و گزینش دانشجو (کنکور) به گونه‌ای عمل شده است که اکثر دانشجویان ورودی به رشته حسابداری را دانش‌آموختگان رشته علوم انسانی تشکیل می‌دهند و در نتیجه، دانش‌آموختگان رشته‌های ریاضی و تجربی کمتر جذب این رشته می‌شوند. این در حالی می‌باشد که آموختن حسابداری نیاز به ذهنی تحلیلی‌گر دارد و محفوظات کمک‌چندانی در این رابطه نمی‌کند. از سوی دیگر، رشته حسابداری به طور معمول از آخرین الویت‌های انتخاب رشته توسط داوطلبان به شمار می‌آید. همچنین، مشاهده می‌شود که قوی نبودن زمینه ریاضیات در نزد دانشجویان رشته حسابداری، موجب بروز مشکلاتی در مقاطع تحصیلات تکمیلی برای این دانشجویان می‌شود.

فرضیه ۲. عدم استقبال رتبه‌های برتر آزمون‌های ورودی به دلیل عدم گزینش علمی

مناسب دانشجویان در بدو ورود به رشته حسابداری، مانع پیشرفت آموزش حسابداری است

با توجه به نیازهای جامعه، اکثر استادان این رشته علاوه بر اینکه عضو هیئت علمی دانشگاه مشخصی می‌باشند، به مشاغل دیگری در بیرون از دانشگاه نیز اشتغال دارند؛ به گونه‌ای که حتی استادانی که فاقد شغل دیگری هستند، با تدریس بیش از حد در دانشگاه‌های مختلف فرصت مطالعه و پژوهش را از خود سلب کرده‌اند. با این وصف به علت اختصاص نیافتن وقت کافی جهت مطالعه و تحقیق توسط استادان این رشته و در برخی از موارد به دلیل به‌روز نبودن آنها، مشاهده می‌شود گروهی از آنان پس از سال‌های متمادی به تدریس جزوه‌ها و یا متون قدیمی بسنده کرده‌اند که این خود می‌تواند یکی از موانع پیشرفت رشته تلقی گردد.

فرضیه ۳. چند شغله بودن استادان رشته حسابداری، مانع پیشرفت آموزش حسابداری است.

یکی از رشته‌هایی که به تازگی و به میزان قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر فناوری اطلاعات قرار گرفته، رشته حسابداری است. به جرات می‌توان ادعا کرد که حداقل در میان رشته‌های علوم انسانی، رشته حسابداری بیش از سایر رشته‌ها تحت تاثیر فناوری اطلاعات قرار گرفته که این خود موجب ایجاد نیاز برای یادگیری دانش نوظهور مزبور شده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه منابع اصلی رشته حسابداری به زبان انگلیسی است، تسلط کافی بر زبان انگلیسی جهت استفاده از این منابع اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. این همه در حالی است که فقدان مهارت کافی استادان و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته حسابداری در این دو زمینه، آشکارا موجب کاهش پویایی و توانمندی آنان در زمینه جستجو و استفاده از منابع به روز و کارآمد شده است.

فرضیه ۴. تسلط ناکافی استادان و دانشجویان حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، مانع پیشرفت آموزش حسابداری است.

در سال ۱۳۴۳، نبوی حسابداری را به سه گرایش تقسیم کرد. پس از چند سال به جای گسترش این رویکرد، دوباره همه گرایش‌ها در هم ادغام شد. ده سال بعد،

پیشنهاد راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد حسابداری و حقوق مالی ارائه شد؛ اما متأسفانه مسکوت باقی ماند. به رغم اینکه به تازگی زمزمه ایجاد چنین گرایش‌هایی در مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته حسابداری مطرح و در مواردی خاص راه‌اندازی شده است، چنین به نظر می‌رسد که نبود گرایش به تخصص در این رشته (به این معنا که رشته حسابداری به عنوان یک رشته عمومی مطرح است و امکان تحصیل در این رشته در تخصص‌های مختلف وجود ندارد) باعث شده است که دچار نوعی کلی‌گرایی شویم.

فرضیه ۵. نبود گرایش به تخصص در رشته حسابداری، مانع پیشرفت آموزش حسابداری است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق و ابزار آن

در این تحقیق از روش تحقیق میدانی از نوع فرضیه‌آزمایی که همان روش علمی است، برای شناخت دیدگاه‌های افراد صاحب‌نظر در خصوص عوامل پیش‌گفته استفاده شده است. در این روش، از پرسشنامه برای تعیین نظرهای موافق و مخالف استفاده می‌شود. پس از مطالعه تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور و به خصوص کشورهای در حال توسعه، با توجه به شرایط محیطی ایران و پس از مشورت با صاحب‌نظران این حوزه، پنج عامل (که پیش از این در قالب فرضیه‌های تحقیق مطرح شد) به عنوان موانع اصلی پیشرفت آموزش حسابداری در ایران شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، پرسشنامه‌ای در دو بخش و با ۲۰ سوال طراحی شد. در بخش نخست پرسشنامه، تعداد ۱۵ سوال طراحی شد که هر کدام به طور غیرمستقیم مرتبط با فرضیه‌های تحقیق بودند. در بخش دوم پرسشنامه نیز تعداد پنج سوال ارائه شد تا در ابتدا پاسخ‌دهندگان مرتبط بودن هر یک از پرسش‌ها را با موضوع تحقیق (موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران) با پاسخ بلی یا خیر تعیین کنند و در مرحله بعد نیز در صورت مرتبط بودن سوال با موضوع تحقیق، میزان اهمیت آن را بر مبنای طیف لیکرت در ۵ سطح بی‌اهمیت، تاحدی با اهمیت، با اهمیت، با اهمیت زیاد و فوق

العاده با اهمیت تعیین نمایند. سپس پرسشنامه مقدماتی برای تایید اعتبار ساختاری مورد نظرخواهی تعداد معدودی از صاحبان نظران قرار گرفت (بررسی مقدماتی^۱) قرار گرفت. در نهایت نیز پرسشنامه تدوین شده پس از اعمال تعدیل‌های لازم در میان اعضای جامعه آماری توزیع شد.

چون در پژوهش حاضر پرسش‌ها متناسب با مبانی نظری و موارد مشابه مربوط به هر کدام از متغیرها طراحی شده و سپس با توزیع تعداد محدودی پرسشنامه بین استادان مرتبط و افراد صاحب‌نظر، اصلاح‌های لازم روی پرسش‌ها اعمال و پس از تایید نهایی پرسشنامه‌ها بین پاسخ‌دهندگان توزیع شده، می‌توان ادعا کرد که پرسشنامه از روایی کافی برخوردار بوده است.

در این تحقیق برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است. به اعتقاد صاحب‌نظران حوزه آمار، اگر ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ باشد، پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار خواهد بود (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱۷ محاسبه شده است، می‌توان ادعا کرد که پرسشنامه طراحی شده از پایایی کافی برخوردار بوده و یا به عبارت دیگر، محقق توانسته است نیازهای اطلاعاتی خود را از طریق پرسشنامه تامین نماید.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

با توجه به موضوع پژوهش حاضر، جامعه آماری تحقیق حاضر جامعه دانشگاهی و حرفه‌ای حوزه حسابداری می‌باشد. چون شناسایی و تعیین دامنه چنین جامعه‌ای اگر غیرممکن نباشد، حداقل کاری بسیار دشوار و پرهزینه خواهد بود، در عمل امکان پذیر نمی‌باشد؛ چاره‌ای جز محدود کردن جامعه باقی نمی‌ماند.

با توجه به محدودیت‌های موجود در امر پشتیبانی اداری و تدارکاتی، جامعه آماری پژوهش به جامعه در دسترس، یعنی اعضای هیئت علمی و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته حسابداری دانشگاه‌های برتر تهران (شامل دانشگاه‌های

1- Pilot Study

2- Cronbach's Alpha

تربیت مدرس، تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی) محدود شد. از سوی دیگر، بهتر است به منظور صرفه‌جویی در منابع مالی، نیروی انسانی و زمان، پژوهشگر در تعیین حجم نمونه خود حدی را قائل شود و اندازه نمونه را طوری انتخاب کند که برآورد او درست و منطبق بر واقعیت باشد. بنابراین، بهتر است از روش‌های ریاضی استفاده شود که حداقل اندازه لازم را در نمونه‌گیری برآورد می‌کنند (دلاور، ۱۳۸۳). بدین ترتیب، حجم نمونه مورد نیاز برای تحقیق حاضر ۹۷ محاسبه شد. در مجموع تعداد ۱۲۰ پرسشنامه (۳۰ نفر از هر دانشگاه، شامل حداقل ۵ عضو هیئت علمی در صورت وجود) به صورت تصادفی بین پاسخ‌دهندگان توزیع و تعداد ۱۰۵ پرسشنامه تکمیل شده دریافت شد. همچنین، پرسشنامه‌ها به دو صورت حضوری و اینترنتی در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت تا پس از دریافت اطلاعات لازم جهت آزمون اعتبار فرضیه‌ها با استفاده از روش‌های آماری مربوط، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

روش‌های آماری

با توجه به روش تحقیق، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش‌های ناپارامتریکی چون آزمون یو من‌ویتنی^۱ و آزمون‌های دو جمله‌ای و فریدمن استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان

همان‌گونه که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، تعداد ۱۲۰ پرسشنامه میان اعضای جامعه آماری توزیع و تعداد ۱۰۵ پرسشنامه تکمیل شده از پاسخ‌دهندگان گردآوری شد. بر اساس پاسخ‌های دریافتی، ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان به شرح زیر بود: وضعیت تحصیلی: از بین پاسخ‌دهندگان، دانشجویان کارشناسی ارشد دارای بیشترین فراوانی بودند. وضعیت تحصیلی پاسخ‌دهندگان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. وضعیت تحصیلی پاسخ‌دهندگان

وضعیت تحصیلی	تعداد	درصد
مدرک دکتری	۱۲	۱۲
دانشجوی دکتری	۹	۹
مدرک کارشناسی ارشد	۲۹	۲۸
دانشجوی کارشناسی ارشد	۵۴	۵۱
مجموع	۱۰۵	۱۰۰

فعالیت‌های جانبی: بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان، دارای شغل جانبی (به غیر از شغل اصلی) بودند. اطلاعات مذکور در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول ۳. وضعیت تحصیلی پاسخ‌دهندگان

فعالیت‌های جانبی	تعداد	درصد
فعالیت‌های پژوهشی	۲	۲
تدریس	۳	۳
فعالیت‌های حرفه‌ای (غیرحسابداری)	۳	۳
حسابداری و حسابرسی	۳۰	۲۹
کارمند دولت (غیرحسابداری)	۴	۴
شغل آزاد	۳	۳
کار پاره‌وقت (غیرحسابداری)	۳	۳
امور مالی (غیرحسابداری)	۳	۳
مشاوره	۱۲	۱۱
سایر فعالیت‌های جانبی	۵	۵
فائد فعالیت‌های جانبی	۳۷	۳۵
مجموع	۱۰۵	۱۰۰

وضعیت زبان (انگلیسی): از بین ۱۰۵ نفر پاسخ‌دهنده، فقط ۲۳ نفر دارای مدرک

رسمی زبان بودند. نوع مدرک زبان انگلیسی پاسخ‌دهندگان بر حسب درصد و تعداد، در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. نوع مدرک رسمی زبان انگلیسی پاسخ‌دهندگان

وضعیت زبان (انگلیسی)	تعداد	درصد
تافل (TOEFL) بین‌المللی	۴	۴
تافل (TOEFL) دکتری	۱۲	۱۱
آیلتس (IELTS)	۶	۶
ام سی اچ ایی (MCHE)	۱	۱
فاقد مدرک رسمی زبان	۸۲	۷۸
مجموع	۱۰۵	۱۰۰

در جدول ۵ نیز میانگین نمره زبان پاسخ‌دهندگان در آزمون کارشناسی ارشد و همچنین میانگین رتبه آزمون ورودی آنها در بدو ورود به دانشگاه، به تفکیک رشته نمایش داده شده است.

جدول ۵. میانگین نمره زبان و رتبه آزمون ورودی پاسخ‌دهندگان

رشته تحصیلی دبیرستان	میانگین نمره زبان	میانگین رتبه آزمون ورودی
ریاضی فیزیک	۱۱	۴۷۴۵
علوم تجربی	۲۳	۵۴۴۰
علوم انسانی (غیرحسابداری)	۳۸	۱۲
حسابداری	۱۸	۵۸
میانگین کل	۱۵	۴۱۴۲

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که میانگین نمره زبان پاسخ‌دهندگان در آزمون کارشناسی ارشد در حدود ۱۵٪ و میانگین رتبه آزمون ورودی آنها در بدو ورود به دانشگاه ۴۱۴۲ می‌باشد که به طور قطع، میانگین‌های خوبی به شمار نمی‌آیند. از

سوی دیگر، مشاهده چنین نتیجه‌ای گذشته از دلالت بر کم‌کاری دانشجویان در آموختن زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی، می‌تواند بیانگر ضعف نظام آموزش و پرورش در آموزش زبان انگلیسی تا پایان دوره دبیرستان باشد.

دلیل انتخاب رشته حسابداری: بررسی داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌های تکمیل شده نشان داد که از میان پاسخ‌دهندگان، ۲۱٪ آنها برحسب علاقه، ۵۴٪ به دلیل دورنمای داشتن شرایط شغلی مناسب و ۲۵٪ باقیمانده نیز به دلایل گوناگون دیگری رشته حسابداری را انتخاب کرده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

آزمون دوجمله‌ای

از این آزمون برای تایید یا عدم تایید فرضیه‌ها استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح خطای قابل قبول توسط محقق ۵٪ در نظر گرفته شده است، اگر سطح معناداری حاصل از این آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه H_0 رد و فرضیه مقابل یعنی H_1 تایید می‌شود (دلیلی بر رد آن یافت نمی‌شود). همچنین، اگر سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه H_0 تایید (دلیلی بر رد آن یافت نمی‌شود) و فرضیه H_1 رد می‌شود.

$$\begin{cases} H_0 : p \geq 60\% \\ H_1 : p < 60\% \end{cases} \quad \text{رابطه (۱)}$$

نتایج آزمون دوجمله‌ای فرضیه‌ها در جدول (۶) به صورت یکجا ارائه شده است. لازم به ذکر است که در جدول مذکور، منظور از گروه‌های اول و دوم به ترتیب اعضای هیئت علمی و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی می‌باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون دو جمله‌ای فرضیه‌های تحقیق

نتیجه آزمون	سطح معناداری (یک دامنه)	احتمال آزمون شده	احتمال مشاهده شده	تعداد	طبقه	گروه‌ها	فرضیه‌ها
رد فرضیه	۰/۰۰۷	۰/۶	۰/۷ ۰/۳ ۱/۰	۷۵ ۲۹ ۱۰۴	۳ > ۳	گروه گروه مجموع	فرضیه (۱)
تایید فرضیه	۰/۰۰۹	۰/۶	۰/۶ ۰/۴ ۱/۰	۵۹ ۴۵ ۱۰۴	۳ > ۳	گروه گروه مجموع	فرضیه (۲)
تایید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۶	۰/۴ ۰/۶ ۱/۰	۳۸ ۶۷ ۱۰۵	۳ > ۳	گروه گروه مجموع	فرضیه (۳)
تایید فرضیه	۰/۰۰۰	۰/۶	۰/۳ ۰/۷ ۱/۰	۳۰ ۷۵ ۱۰۵	۳ > ۳	گروه گروه مجموع	فرضیه (۴)
رد فرضیه	۰/۴۳۰	۰/۶	۰/۶ ۰/۴ ۱/۰	۶۲ ۳۹ ۱۰۱	۳ > ۳	گروه گروه مجموع	فرضیه (۵)

آزمون یو من ویتنی

از این آزمون جهت مقایسه نظر گروه‌های جامعه آماری در خصوص فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است تا بتوان مشخص نمود که آیا عقیده آنان نسبت به پرسش‌های مطرح شده و فرضیه‌های تحقیق یکسان است یا خیر. بدین منظور، هر پرسش یا فرضیه تحقیق به طور جداگانه و بر اساس پاسخ گروه‌های جامعه آماری

مورد ارزیابی قرار گرفته است.

نتایج آزمون یو من ویتنی در جدول (۷) نشان داده شده است. لازم به ذکر است که در جدول مذکور، منظور از گروه‌های اول و دوم به ترتیب اعضای هیئت علمی و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی می‌باشد

جدول ۷. نتایج آزمون یو من ویتنی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌ها	گروه‌ها	تعداد	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها	یو من ویتنی	آماره Z	سطح معناداری	نتیجه آزمون
فرضیه (۱)	گروه اول	۱۳	۳۵/۹۲	۴۶۷/۰۰	۳۸۶/۰۰	-۲/۲۲۹	۰/۰۲۶	نظریات متفاوت دو گروه
	گروه دوم	۹۱	۵۴/۸۷	۴۹۹۳/۰۰				
	مجموع	۱۰۴						
فرضیه (۲)	گروه اول	۱۳	۴۷/۷۷	۶۲۱/۰۰	۵۳۰/۰۰	-۰/۶۲۶	۰/۵۳۱	نظریات یکسان دو گروه
	گروه دوم	۹۱	۵۳/۱۸	۴۸۳۹/۰۰				
	مجموع	۱۰۴						
فرضیه (۳)	گروه اول	۱۳	۵۹/۵۰	۷۷۳/۵۰	۵۱۳/۵۰	-۰/۸۵۶	۰/۳۹۲	نظریات یکسان دو گروه
	گروه دوم	۹۲	۵۲/۰۸	۴۷۹۱/۵۰				
	مجموع	۱۰۵						
فرضیه (۴)	گروه اول	۱۳	۵۶/۷۳	۷۳۷/۵۰	۵۴۹/۵۰	-۰/۵۰۱	۰/۶۱۷	نظریات یکسان دو گروه
	گروه دوم	۹۲	۵۲/۴۷	۴۸۲۷/۵۰				
	مجموع	۱۰۵						
فرضیه (۵)	گروه اول	۸۸	۵۸/۸۸	۷۶۵/۵۰	۴۶۹/۵۰	-۱/۱۲۹	۰/۲۵۹	نظریات یکسان دو گروه
	گروه دوم	۱۳	۴۹/۸۴	۴۳۸۵/۵۰				
	مجموع	۱۰۱						

با توجه به نتایج آزمون می‌توان نتیجه گرفت که هر دو گروه نسبت به تمامی فرضیه‌ها به استثنای فرضیه اول، نظریات یکسانی داشته‌اند.

آزمون فرید من

جهت بررسی یکسان بودن رتبه‌بندی عوامل موثر مطرح شده در فرضیه‌ها، این آزمون مورد استفاده قرار گرفته و نتایج آن در جدول (۸) نمایش داده شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون فریدمن فرضیه‌های تحقیق

میانگین رتبه‌ها	فرضیه‌ها
۲/۳۳	فرضیه (۱)
۲/۵۴	فرضیه (۲)
۳/۶۰	فرضیه (۳)
۳/۷۷	فرضیه (۴)
۲/۷۶	فرضیه (۵)
۹۹	تعداد
۸۷/۵۲۳	آماره خی دو
۴	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

چون مقدار سطح معناداری محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، از نظر گروه‌های مختلف جامعه آماری تاثیر عوامل پنج‌گانه مطرح شده بر پیشرفت آموزش حسابداری در ایران، یکسان نیست. نتیجه اینکه با مقداری تسامح می‌توان ادعا کرد که تاثیر این عوامل از نظر پاسخ‌دهندگان به ترتیب به شرح جدول (۹) می‌باشد.

جدول ۹. ترتیب اهمیت عوامل پنج گانه از دیدگاه گروه‌های جامعه آماری

الویت	فرضیه‌ها	میانگین رتبه‌ها
اول	فرضیه (۴)	۳/۷۷
دوم	فرضیه (۳)	۳/۶۰
سوم	فرضیه (۵)	۲/۷۶
چهارم	فرضیه (۲)	۲/۵۴
پنجم	فرضیه (۱)	۲/۳۳

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج آزمون دوجمله‌ای فرضیه‌ها، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هر یک از عوامل پنج گانه تا اندازه‌ای به عنوان مانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران عمل کرده‌اند؛ اما با توجه به اینکه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت برای پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق استفاده شده است، با ۹۵٪ اطمینان می‌توان ادعا کرد که تنها عامل‌های عدم استقبال رتبه‌های برتر آزمون‌های ورودی به دلیل عدم گزینش علمی مناسب دانشجویان در بدو ورود به رشته حسابداری، چند شغله بودن استادان رشته حسابداری و نیز تسلط ناکافی استادان و دانشجویان حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات، به عنوان موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران مورد تایید قرار گرفته‌اند. همچنین، از آنجا که عامل‌های پیش گفته با توجه به آزمون یو من ویتنی به یک میزان در پیشرفت حسابداری تاثیرگذار نبودند، با استفاده از آزمون فریدمن رتبه‌بندی شدند تا بر اساس آن پیشنهاد‌های لازم صورت گیرد. بدین ترتیب، عامل تسلط ناکافی استادان و دانشجویان حسابداری به زبان انگلیسی و فناوری اطلاعات به عنوان مهم‌ترین عامل در پیشرفت آموزش حسابداری در ایران شناخته شد که البته با توجه به جایگاه و میزان آموزش مهارت‌های پیش گفته در نظام آموزشی ایران و اهمیت آنها در پیشرفت آموزش حسابداری، دستیابی به چنین نتیجه‌ای تعجب‌برانگیز به نظر نمی‌رسد. در پایان نیز جهت حصول اطمینان از یکسان

بودن نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی، از آزمون یو من‌ویتی استفاده شد که نتایج آن نشان داد به غیر از عامل شاغل بودن دانشجویان رشته حسابداری همزمان با تحصیل آنان در دانشگاه، در خصوص سایر عامل‌ها توافق وجود دارد. نتیجه اخیر نیز با توجه به کاربردی بودن رشته حسابداری و اهمیت کسب مهارت‌های عملی در کنار یادگیری مبانی علمی رشته مزبور که لزوم آن مورد پذیرش اکثر اهالی این حوزه است، منطقی به نظر می‌رسد.

همچنین باید خاطر نشان ساخت نتایج حاصل که در بُعدهای زمانی و مکانی متفاوتی حاصل شده است، تایید دیگری بر یافته‌های پژوهش‌های پیشین مانند گرگز (۱۳۷۹)، رودکی (۱۳۷۸) و اعتمادی و نیک‌خواه آزاد (۱۳۷۷) می‌باشد که در هر یک از آنها به گونه‌ای به عامل‌های مطرح شده در تحقیق حاضر اشاره شده بود. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهشی و با توجه به اینکه ارکان اصلی تشکیل‌دهنده نظام آموزشی رشته حسابداری شامل عناصری چون استادان، دانشجویان و برنامه‌های آموزشی مربوط است، پیشنهادهایی به شرح زیر برای هر یک از ارکان مذکور ارائه می‌شود:

برای استادان:

- تامین مالی استادان، به گونه‌ای که نیازی به شغل دوم نداشته باشند،
- ملزم نمودن اعضای هیئت علمی به ارائه مقاله‌های علمی به صورت مستمر،
- بهبود نظام ارزشیابی استادان با در نظر گرفتن میزان پژوهش‌های انجام‌شده، آثار چاپ‌شده و موفقیت‌های علمی آنان،
- کاهش تعداد ساعت‌های موظفی تدریس استادان و فراهم نمودن شرایط مناسب جهت انجام امور پژوهشی،
- استفاده نکردن از استادان پاره‌وقت در دانشگاه‌های برتر،
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای استادان به منظور به روزآوری دانش آنان در حوزه فناوری اطلاعات، و
- اضافه کردن شرط داشتن مدرک تافل بین‌المللی به عنوان یکی از شرایط استخدام اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها یا حداقل دانشگاه‌های برتر.

برای دانشجویان:

- اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان ممتاز در مقطع دکتری جهت ادامه تحصیل در دانشگاه‌های برتر دنیا به رغم امکان ادامه تحصیل در داخل کشور،
- اختصاص ضریب بیشتری به درس زبان انگلیسی در آزمون‌های ورودی جهت پذیرش دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی، و
- ایجاد دوره‌های عملی در قالب انعقاد قرارداد با شرکت‌ها و سازمان‌های معتبر؛ به منظور کسب تجربه کافی در نزد دانشجویان و ایجاد آمادگی در آنها جهت جذب به بازار کار.

برای نظام آموزشی کشور:

- تغییر در شیوه آموزش زبان انگلیسی در مقاطع مختلف آموزشی،
 - گنجانیدن درسی تحت عنوان فناوری اطلاعات و ارتباطات در کلیه رشته‌های دوره دبیرستان،
 - تدریس درس‌های حسابداری به زبان اصلی در دانشگاه‌های برتر،
 - آموزش حداقل یک نرم‌افزار حسابداری رایانه‌ای مناسب در طول دوره کارشناسی، و
 - اختصاص واحدهای درسی بیشتری در دوره کارشناسی به مبانی نظری و عملی فناوری اطلاعات.
- در خصوص انجام پژوهش‌هایی در این حوزه در آینده نیز می‌توان پیشنهاد‌های زیر را ارائه کرد:
- با بررسی مقایسه‌ای میان رشته حسابداری و رشته‌های مشابه مانند مدیریت مالی، موانع پیشرفت آموزش چنین رشته‌هایی به صورت عمیق‌تری مورد مطالعه قرار گیرد.
 - با توجه به اینکه یکی از راه‌های بررسی موانع توسعه یک پدیده در جامعه، جستجوی علت‌های پیشرفت آن در جوامع دیگر است، توصیه می‌شود با مطالعه دلایل پیشرفت آموزش حسابداری در کشورهایی که در این زمینه موفق بوده‌اند، موانع پیشرفت آموزش حسابداری در کشور مورد بررسی قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. اعتمادی، حسین و علی نیک خواه آزاد. (۱۳۷۷). *شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری در ایران و ارائه برنامه کارا و کارآمد*. مجله مدرس. شماره ۶، بهار ۷۷، صص ۱۲۱-۱۰۲.
۲. به آیین، یعقوب. (۱۳۸۵). *تفکر انتقادی در آموزش حسابداری*. مجله حسابرس. شماره ۳۴، پاییز ۸۵، صص ۵۹-۵۴.
۳. دلاور، علی. (۱۳۸۳). *میانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. (چاپ سوم)، تهران: انتشارات رشد.
۴. رودکی، جمال. (۱۳۷۸). *راهبردهای اساسی نظام جامع آموزش حسابداران آینده ایران تحلیلی از نظام‌های پیشنهادی آموزش حسابداری کشورهای در حال توسعه*. مجله حسابدار. ویژه پنجمین سمینار سراسری حسابداری، شماره ۱۳۳، آذر ۷۸، صص ۶۶-۵۵.
۵. عرب‌مازار یزدی، محمد، حجت ثابتی و علی گلی. (۱۳۸۶). *آموزش حسابداری در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات*. مجله حسابدار. شماره ۱۹۰، دی ۸۶، صص ۳۱-۲۶.
۶. گرگز، منصور. (۱۳۷۹). *آموزش حسابداری؛ تنگناها و راهکارها*. مجله حسابدار. شماره ۱۳۶، اردیبهشت ۷۹، صص ۲۹-۲۷.
۷. مؤمنی، منصور و علی فعال قیومی. (۱۳۸۶). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. (چاپ اول)، تهران: نشر کتاب نو.
۸. مجله حسابدار. (۱۳۷۴). *گفتگو با دکتر علی تقفی درباره برپایی دوره دکتری حسابداری*. مجله حسابدار. شماره ۱۰۹، مرداد ۷۴، صص ۳۵-۳۲.
۹. مجله حسابرس. (۱۳۸۱). *میزگرد رویکردهای نوین و سنتی آموزش و چالش‌های آن در رشته حسابداری*. مجله حسابرس. شماره ۱۷، آذر و دی ۸۱، صص ۳۷-۲۹.
۱۰. مجله حسابرس. (۱۳۸۵). *میزگرد آموزش و پژوهش حسابداری در ایران*. مجله حسابرس. شماره ۳۴، پاییز ۸۵، صص ۳۹-۲۶.
۱۱. محمدزاده سالطه، حیدر و سونیا پناهی. (۱۳۸۷). *ظهور عصر فناوری اطلاعات افول روش‌های سنتی آموزش*. مجله حسابرس. شماره ۴۲، زمستان ۸۷، صص ۹۷-۹۲.
۱۲. نوروش، ایرج. (۱۳۷۸). *به سوی آینده‌ای برای زیرساخت حسابداری کشورهای در حال توسعه*. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۹، مهر ۷۸، صص ۸۴-۵۰.
13. Albrecht, W. S., and R. J. Sack. (2000). *Accounting Education: Charting the Course through a Perilous Future*. Sarasota, Florida: American Accounting Association.

14. Bill, B. (2010). *The Development of Accounting Education*. University of Mississippi, (Cited 29 June 2011), On-line available at: <http://commons.AAAhq.org/posts/f70b7ee91d>.
15. Brookner, L., and E. Heilman. (1960). *Technical Assistance in Accounting in Turkey*. The Accounting Review. Vol. 35, No. 1, Jan. 60, pp. 33-36.
16. Nelson, I. T., V. P. Vandrzyk, J. J. Quirin, and S. E. Kovar. (2008). *Trends in Accounting Student Characteristics: Results from a 15-Year Longitudinal Study at FSA Schools*. Issues in Accounting Education, Vol. 23, No. 3, pp. 373-389.
17. Urbancic, F. R. (2009). *Individual and Institutional Contributors to Research in Accounting Education*. The Accounting Educators Journal, Vol. 19, pp. 21° 44.

